



۲۰۱۷/۰۸/۳۱

و، عطارد

ساعتی با حجاج افغانی

که در این حالت اسفناک و غربت و بیچارگی خواهران، برادران و هموطنان خود به زیارت کعبه می روند



و پول های خود را به اعرابی می دهند که شب و روز با طلای سیاه بازی دارند، و با عدم کمک و دستگیری هموطنان ناتوان خود، خود را از حج اکبر محروم می سازند. رحمت خدا بر شاعر توانا و عاشق وطن و مردم آن ملک الشعراى محمد نسیم اسپیر که با تخمیس نمودن شعر ملکوتی مولانا جلال الدین محمد بلخی با

زیبایی و قدرت عالی همه درد های بی تفاوتی هموطنان بی درد خود را عیان و بیان نموده است:

یک روز اگر چشم بصیرت بگشایید یک بار گر از ورطهٔ وسواس برآیید

این نغمهٔ جان بخش مکرر بسرایید ای قوم به حج رفته کجایید، کجایید

معشوق همین جاست بیائید، بیائید

*** **

من، یکی دیگر از سروده های جاودانی مولانای بزرگ را که متوجه همین حجاج گرامی است، در اینجا

خدمت خوانندگان در ذیل تقدیم می دارم:

یا شاعر عالیقدر و متفکر افغان جناب "واعظی" چه خوش سروده است و راه زواران حج را روشن نموده است:

دلخوش از آنید که حج می رویم

غافل از آنید که کج می رویم

کعبه به دیدار خدا می رویم

او که همین جاست، کجا می رویم

یا به گل مهره های شاعر با درد و با احساس دیگر افغان جناب "شریف حکیم" توجه کنید که خواسته با چه زیبایی و ظرافت حاجیان هموطنش را متوجه بی تفاوتی شان در برابر هزاران محتاج و دربدر جامعه شان سازد.

یک قدم فاصله دارد، سفری نیست ضرور

در رسیدن به خودت، چون بروی از خود دور

از چه صد قافله بستی که رسی بر در خویش

یک وجب فاصله، حیف است چنین کرد عبور

چشم صورت به تماشای جهانت کافی است

دیده دل بگشا، گر طلبت هست حضور

"شریف حکیم"

یا به گل مهره های شاعر با درد و با احساس دیگر افغان جناب "شریف حکیم" در بالا توجه کنید که خواسته با چه زیبایی و ظرافت ولی با درد، حاجیان هموطنش را متوجه بی تفاوتی شان در برابر هزاران محتاج و دربدر جامعه شان

آنها که طلبکار خدائید ، خدائید
بیرون ز شما نیست شمائید ، شمائید
چیزی که نگردید گم از بهر چه جوید
و اندر طلب گم نشده بهر چرائید
در خانه نشینید و نگردید به هر سوی
زیرا که شما خانه و هم خانه خدائید
اسمید و حروفید و کتابید و کلامید
جبریل امینید و سماوات علانید
مولوی